



ماه شب چهاردهم

کتاب ماه شب چهاردهم شرح زندگي يك ديپلمات خارجي است در ايران كه از روز گشايش اولين مجلس شوراي ملي تا تبعيد محمد علي شاه در مملكت ما زندگي ميكرده و يادداشتهاي مستند و جالب خود را با تصاوير نخبه و زبده زينت داده است و در سال ۱۹۱۰ ميلادي آنرا بزبان انگليسي منتشر کرده است .

نويسنده كتاب « داتلاس سلا دن » نام داشته و همان كسي است كه با كمك يكي از دوستان خود بنام « اوستاس دولاروي » كتاب « عجائب ايران » را نوشته است .

اين كتاب توسط مترجم و نويسنده گرانمايه آقاي علي اصغر امير معز معاون اسبق وزارت اطلاعات به فارسي روان ترجمه شده و اکنون پيش گفتار نويسنده در اين شماره آورده ميشود و اميدواريم بقيه مطالب كتاب را نيز در صحايف مجله و همچنين بطور جداگانه بتوانيم چاپ كنيم . ان شاء الله (و) .

پيش گفتار

در سال ۱۹۱۰ ميلادي از روي يادداشتهاي يك فرانسوي بنام المونت

دیپلوم سفارت فرانسه در ایران کتابی تحت عنوان ماه شب چهاردهم بزبان انگلیسی فراهم آمده است که در آن از عشق این جوان بایران، بازناب نور خورشید برستیغهای کوهسازان سربلک کشیده البرز و پوشیده از برف، دلدادگی او به دختر مستورخانه همسایه و ماجراجی عشق شورانگیز دیگری به پریروئی از دیار فرنک و شیفتگی بی حد و حصرا و بجانبازیهای آزادیخواهان ایران در راه سعادت ملت و برقراری حکومت مشروطه سخنهارفته است.

خواندن این کتاب و آشنائی بیشتر بافداکارها و جانبازیهای مجاهدان راه مشروطه که علیرغم گفته‌های بداندیشان، حماسه‌ای شورانگیز و جاودانی از دیگر حماسه‌های ملی ایران زمین است، مرا برانگیخت تا آن را بفارسی درآورم.

بهر حال یادداشتهای والمونت ناکام، بار دیگر بمن آموخت که ایرانی وطنپرست و علاقمند بحفظ سنن و آئین شاهنشاهی، خود، راه و روش زندگی خویش را تعیین میکند و آنکه در فراز و نشیب تاریخ حیات (همواره استقلال و آزادی خود را حفظ کرده است؛ هرگز عمل تنگ اجنبی پرستی را نمیتواند و نهضت مشروطه ایران هر چند ناپخته و بی تجربه - از شایعات و اتهامات ناروای دشمنان منزله است.

در ترجمه این کتاب که بسیاری از حقایق ناشناخته شده تاریخ مشروطه ایران را فاش میسازد، کوشش شده است که از حاشیه رفتن پرهیز شود و در سبک نگارش و اشتباهات آن دخل و تصرفی بعمل نیاید. زیرا بر خوانندگان فاضل و مطلع است که اگر از نویسندگان کتاب یا مترجم آن اشتباهی سرزده است آن اشتباه را تصحیح نمایند.

ع . ا . مهر

مقدمه نویسنده

شاید خواننده این سطرها همکاری «اوستاس دولاروی» و اینجانبرا در تهیه کتاب «عجایب ایران» بیاد داشته باشد، با توجه بمعاضدت در تألیف آن کتاب وقتی «دولاروی» موضوع یادداشتهای روزانه همکار خویش، ادوارد المونت را که به

به هنگام انقلاب مشروطه ایران، در تهران بسر میبرده است، بامن در میان گذارد، بدو پیشنهاد کردم، بیائید از آن کتابی پیردازیم، زیرا اگر دچار اشتباه نشده باشم؛ مردم با همان شور و علاقه ای که از مادام گریز اتم، اثر حیرت انگیز پیرلوتی استقبال کردند بدان روی خواهند آورد.

محتوای یادداشتهای والمونت، رویدادهای واقعی است، این اتفاقات بگونه همان وقایعی است که در شرایط مساوی، پیرلوتی را در خلق اثر عظیمش به پیروزی رسانید. رویا روی ماجوانی مجرد از نجیب زادگان فرانسه در مقامی رسمی قرار گرفته است که مشتاق پدیده های نوین، و درك هیچانان زندگی در مایه و شکل اصیل آنست و در این احوال بایک دختر ایرانی باب آشنائی میکشاید، بدینگونه یادداشتهای والمونت بازتاب اتمسفر محیط ولبریز از حوادث و وقایع این زندگی عجیب و جالب می شود.

ماجرای يك كافر و يك دختر ایرانی در کیش محمدی، که هر آینه کشف چنین ماجرائی، بیشک، برای هر دو عامل قضیه عقوبتی خبر مرگ در بر نداشت. مبادرت باینکار در محیط آنروز ایران نه تنها بهیچوجه قابل توجه نبود، بلکه اصولاً فکر چنین کاری نیز مردود و خصوصاً اینکه زنی ایرانی بدین امر مبادرت ورزد، امری باور نکردنی بود.

مایی آنکه قصد خودستائی و فضل فروشی داشته باشیم، هنگام تألیف کتابی از یادداشتهای این نجیب زاده جوان فرانسوی، با استفاده از امتیازات قلمی همکار فرانسوی خویش کوشیدیم تا در عین حال که سیاق نگارش بومی کتاب را بدانسان که ادوار والمونت در تحریر سرگذشت عاشقانه اش بکار برده است، حفظ کنیم رنگ و شیوه فرانسوی نیز بآن بدهیم.

والمونت از زندگی خویش بای بی ماه زیبارو، درسائی قدیمی در ایران زمین، غزل زیبائی پرداخته است، در این زندگی خادم باوقای او منصور، که از تونس با وی همراه بوده است نقش مهمی بر عهده دارد. او یک سنی مذهب و از نظر ایرانیان يك رافضی است، از این رو اسرار و لینعمت خویش را محفوظ میدارد و از بروز هر گونه رسوائی در ماجرای نجیب زاده فرانسوی و دختر ایرانی،

جلوگیری بعمل می‌آورد. در این رازداری همسر حبشی منصور که او نیز سنی است و در ایران به ازدواج وی درآمده است باشوهر خود شریک و همراه است. در احوالی که بسیاری از مردم، در وقایع روزمره و پیش‌با افتاده زندگی در سفارتخانه، وضع آرام و دلخواهی را حاکم می‌بینند و دوری از وطن، فرانسویان را بیکدیگر نزدیکتر کرده است، نماینده زیبای «پاکن» که در حرمسراهای تهران غوغائی پیاکرده و طوفانی برانگیخته است، در صفحات کتاب و المونت نقشی بمراتب مهمتر از شخص نماینده جمهوری فرانسه برعهده می‌گیرد. این بانوی زیبای فرانسوی، از یک خانواده نجیب از اهالی نورماندی است، که بر اثر استیصال و مضیقه مالی با ایران روی آورده است. در صورتی که یادداشت‌ها بر مطالب و مسائل پراهمیت سیاسی اشاره می‌شود.

و المونت که در این اوقات بالبخندهای «ایوون دو باسکه ویل» و «بی بی ماه»، روزگار را در مسرت و شادی می‌گذرانند، ناگهان خویشتن را در برابر حوادث شگفت‌انگیزی یافت که از آن پس شرح این رویدادها را، در یادداشت‌های خویش گنجانید.

شاهنشاهی و سلطنت کهن ایران، با آنکه یکبار منکوب اسکندر مقدونی شده بود، همچنان بحیات سیاسی خویش ادامه میداد، و نام داریوش و خشایارشا بجزرگی و احترام یاد میشد. موج ترقیاتی که با سرعتی شدن، حرکت عقربه‌های ساعت در ژاپن، قاره آسیا را فرا گرفته بود، ایران را نیز در برداشت، اما استبداد جان سخت نیز، سر نیزه‌های وفادار خویش را بهمراه داشت، و برای ایجاد رعب و وحشت از دود و باروت فراوانی بهره می‌جست.

در همان حال چاپلوسان و متملقان به کرنش و سر تعظیم فرود آوردن در برابر درباریان و حاجبان ادامه می‌دادند، اندک‌اندک آزادیخواهان شجاع ایرانی به فرصتهای مناسب و روزهای دلخواهی دست می‌یافتند که سالیان دراز در انتظارش بودند.

روسیه تزاری که تا چندی پیش از این اوقات، همواره قزاقهایش را برای ورود با ایران بخاطر سرکوبی آزادیخواهان و جلوگیری از انقلاب آماده داشت،

اینک در لباس متحد صمیمی انگلیس، مادام که بهانه پیشگیری از يك قتل عام و کشتار جمعی، در میان نیامد، سیاست عدم مداخله در امور ایران را پیش گرفته بود.

انقلاب در چنین وضعی که طرفین جدال، تابن دندان مسلح شده‌اند، ناچار بدون محتوی و در حکم حباب صابونی است، زیرا نتیجه پیروزی با اعمال فشار و زور از ناحیه هر يك از دو طرف، کشتار و قتل عام خواهد بود. و بدینگونه انقلاب با عنوان پرطمطراق و ویرانگری خاص، و ارمغان قحط و غلا و تعصبات پر جوش و خروش، و المونت‌را در گوشه‌انزوای باغ مشرق زمینی خویش، مسحور خود کرده بود.

در اینجا خاطرات و المونت بدو دلیل بطور ناگهانی قطع میشود، نخست آنکه وی در این هنگام خود را در اوج خوشبختی و سعادت می بیند که هنگام زوال آن فرارسیده و به نسبت شایان توجهی، فروغ این سعادت، رو بخاموشی است و دیگر آنکه دنباله خاطرات او بهنگام خود کشی، در بلوا، و بی نظمی‌های برپاشده از بین میرود.

خواننده عزیز اگر بگویم خاطرات و المونت گرچه بر اساس شایعات فراهم شده، اما واجد اهمیت سیاسی فراوانی است، مرا خواهد بخشید. تصور میکنم از این یادداشتها قصد تألیف کتابی داشته و همچنین از بازتاب در دورنج عشق که در لابلای نوشته‌هایش پیدا است مینندارم در خویشتن احساس تنهائی فراوانی میکرد است.

برای نشان دادن اهمیت یادداشتها، میتوان تصویری که و المونت از مرگ مظفرالدینشاه، مجسم ساخته بعنوان مثال ذکر کرد. در این تصویر شاه در حالیکه بوسیله وزات، برادران، پزشک انگلیسی و زمامداران عالیرتبه و روحانیان احاطه شده است، در يك صندلی راحتی قرار گرفته و تشریفات که در مراسم کفن و دفن او بعمل میآید بمراتب با شکوهتر و مجلل‌تر از تشریفات چندی بعد تاجگذاری جانشین او محمد علی شاه میباشد؛ من نظیر این یادداشتها را در جای دیگر نخوانده‌ام و تنها مردمی که پارسی سخن میگویند، و

با زندگی درباریان ، آشنائی کامل دارند ، میتوانند مراسم بی نظیر تاج-گذاری را ، چنانکه والمونت نوشته است ، برای ما تشریح کنند . این طرز نگارش ، مؤید آنست که خاطرات وی تنها براساس گفت و شنود و شایعات رایج سفارتخانه ، تنظیم نشده است ، بلکه این اوراق توضیح و تفسیر مطالعه شده و متفکرانه وقایعی است که يك دیپلمات ، در پرتلاش ترین و درخشان ترین دوران تاریخی ، در آن بسر میبرد ، و بنظراره این وقایع پرداخته است .

یکی از دلائل قصد والمونت بتألیف کتابی از این یادداشتها ، آن که به اظهار دودلوری ، شخصیتهای یاد شده در کتاب ، وجود خارجی ندارند ، اما بدیهی است که اسامی مستعار ، جایگزین شخصیتهای منفذ و والامقامی هستند ، که طبعاً از جانب يك دیپلمات ناشناخته نیمه ماند . اسفندیار و نیز باقرخان و ملاابراهیم از این گروهند .

خاطرات والمونت بسبب بی پروائی در نقل مطالب ، و نیز استفاده از ترجمه مطالب روزنامه های وقت ، که زمان و تاریخ وقوع حوادث را مشخص میکند ، ارزش و اهمیت بیشتری مییابد ، مقدار قابل ملاحظه ای از این حوادث و نیز عقاید ایرانیان ، درباره جریان های مختلف انقلاب ، در این یادداشتها منعکس شده و بخصوص تصویری که والمونت از دو ماجرای عشقی خویش و جزئیات زیبایی زندگی «آلپرسان» خود مجسم ساخته ، در اسکلت بندی این کتاب مؤثر است . تصور میکنم غده ای از خوانندگان بمسائلی مانند ، از جان گذشتگی های تشنگان آزادی ، اجتماعات زیرزمینی ، برای بنیانگذاری حکومت مشروطه و دریای کلماتی که گاه با گرفتگی و ترشروئی ، و گاه با خشمی طوفانی ، بر زبانها جاری میشد ، و انقلاب ایران همه این مسائل را در برداشت ، علاقمند باشند و شاید همانند من مجذوب طرز بیان فوق العاده روشن ، اما بسیار ظریفانه و استادانه والمونت در بیان موضوع غریبی ، تحت عنوان اسرار زندگی خارجیانی که طعم میوه ممنوعه حرم سرا را میچشند ، بشوند . بر حسب اتفاق یادداشتهای مربوط بهمین قسمت ما را متقاعد ساخت که مانند مادام گریزانتم ، خوانندگان انگلیسی را مجذوب خویش خواهد کرد .

پیش از آنکه پیرامون این موضوع سخن بیشتری بگوئیم؛ باید نظر خوانندگان را بسخترانی فوق‌العاده سیاسی يك روحانی، جلب کنیم که الوونت از او بنام سید جمال‌الدین یاد کرده است. سخترانی جالبی که بیش از هر چیز نمودار سطح فکر و وسعت تعلیم و تربیت آزادیخواهان ایران است.

در این یادداشتها اعتقاد الوونت و صداقت و روشن بینی انگلستان، در ایران و علاوه بر آن، پیوستگی و هماهنگی و توافق انگلیس و روس در مورد این کشور کاملاً مشهود است. او به روسیه تزاری بچشم شخصی که دارای يك سیاست شیطنانی، نسبت بایران بوده و اینک در نتیجه تفاهم با انگلستان عوامفریبانه و بشکل ظاهری، تغییر روش داده است نگاه میکند.

بدیهی است در این یادداشتها و الوونت باینکه ایرانیان کاملاً معنی و مفهوم مشروطه را درک کرده باشند، اعتقادی ندارد و نظریه او در مورد، بحث بودجه در مجلس ایران نمایشگر اینست که ایرانیان را، در تحقق افکار آزادی خواهانه خویش، و عمل کردن بودجه مصوب مجلس ناتوان میدانند.

او در توضیحاتی که درباره دو کودتا داده، قلم را با کمال بیرحمی روی کاغذ بحرکت در آورده است. احساس من اینست که در کشمکش استبداد و مشروطه هیچیک از طرفین روی عواقبی با جنگ نداشتند و از زیر بار آن شانه خالی نمیکرده‌اند، اما محمد علی شاه در هر فرصت بعهد شکنی میپرداخته‌است.

یکبار نخست وزیر و عده‌ای از نمایندگان مجلس را که برای حل بعضی مسائل مملکتی انتخاب شده بودند، بازداشت کرده و بزنجیر کشیده و این بدان معنی بود که آنانرا اعدام خواهد کرد. اما خادم باوفای نخست‌وزیر پیامی از وی بسفارت انگلیس میبرد و دبیر شرقی سفارت در حالیکه تنها بيك قمچیل مسلح بوده، اسب تازان خود را بقصر شاه میرساند. در آنجا شاه مدت يك ربع ساعت در حالیکه روی از او برگردانده بود، وجودش را نادیده میگیرد، اما بعد، نخست‌وزیر را آزاد کرده و او، همراه دبیر شرقی سفارت انگلیس از در قصر بیرون رفت و آنگاه در حالیکه دو غلام سفارت او را اسکورت میکردند در کمال امنیت از کشور خارج میشود.

یادداشتهای والمونت پر است از حوادثی از این قبیل و همچنین مطالب دیگری که در آن اقدامات مستبدین و مشروطه طلبان بازگو شده است. ایندو نیرو در مقابل یکدیگر سنگربندی کرده اند و انبوه مسلح مستبدین (بدون دخالت دستگاهاهی سری و عوامل پشت پرده سفارت انگلیس) بردستههای متفرق اصلاح طلبان پیروز شده آنرا قطعه قطعه میسازند.

ما در این یادداشتهای با انقلابی ضد جنگ و خونریزی برخورد میکنیم، که در روحیه ای عالی، فداکاریهای بی شمار و میلی وافر و واقعی بمجاهده تا رسیدن بغایت و هدف مطلوب بچشم میخورد، و این روشن ترین تفسیری است که درباره انقلاب ایران نوشته شده است. تفسیری که نظیر آن در هیچیک از مطبوعات بچاپ نرسیده است.

در این یادداشتهای میبینیم که محمد علی شاه که از مشروطه بیزار است و با حیار آن را پذیرفته است، چگونه همواره سرگرم توطئه است و آماده است که هر عهد و سوگندی را زیر پا بگذارد، در اینحال مشروطه خواهان و اصلاح طلبان از همه چیز در ننج و عذابند، و اما برای وصول به هدف خویش، هر نامالایمی را تجمل میکنند و درست مانند ایقالیائی ها هستند که برای بدست آوردن آزادی علیه اطریشها قیام میکردند، بی آنکه در پاداش اقدامات شجاعانه خویش جز قتلگاه امید دیگری داشته باشند.

اقبال بما روی آورده است، زیرا میتوانیم با خواندن این یادداشتها، ناظر جنگ تبریز که آغاز آن در واقع پایان عمر استبداد است، باشیم چون والمونت بهنگام شروع این جنگ، پس از آنکه یکی از بانوان سفارت را به ساحل دریای خزر، اسکورت میکند، به تبریز میرود، و ما از یادداشتهای او، در این ایام، توانسته ایم تصویر کم جلائی، از مبارزه ای که فوق العاده هیجان انگیز نیست، مجسم سازیم.

یادداشتهای والمونت در روزهای قبل از این سفر، شامل تحریرات، پیرامون تفریحات و گردش خیام گونه او، در باغ زیبای یکی از اعضای خاندان سلطنتی ایران است که بانام مستعار «شاهزاده هارون الرشید» یاد شده است. ما

در این قسمت با عقاید ایرانیان درباره خيام که با نظر مردم انگلیس فرق دارد، آشنا میشویم و در میابیم، حتی ایرانیانی که تحصیل کرده اند از محبوبیت فراوان خيام در میان غربیان بی اطلاعند .

در این یادداشتها بیاغی که والمونت در آن بسمیبرده ، اشارات زیادی شده و خوانندگان میدانند که باغهای ایرانی ، همواره ما انگلیسیها را بیاد ، و اژههای میاندازد که معمولا آن را برای «بهشت» بکار میبریم .

برای من هیچیک از صفحات یادداشتهای والمونت ، با اندازه صفحاتی که در آن ماجرای خود ، بای بی ماه ، دختر ایرانی را شرح میدهد ، مسرت بخش نیست . میتوانم تصویری از ملاقات دزدانه آندو را بر پشت بام خانه خود مجسم کنم . بلند پروازی عاشقانه ای که نزدیک بود ، ببهای جانش و یا از دست رفتن تمام روزهای خوشی را که با او در اتاق پذیرائی میهمانخانه کاخ قدیمی داشته است ، تمام شود . نوشته های والمونت جزئیات معماری اعجاب آور این کاخ ، اثاثه ، قرآن کریم ، جاذبه وزینت آلات شخصی بی بی ماه ، طرز نشستن ایرانی وار و نامه نوشتن ابتدائی و نیز قلیان کشیدن و جرعه جرعه چای «کاروان» کهربائی رنگ ، نوشیدن و غذا خوردنش را بازگو میکند ، و در همه احوال از او بعنوان يك کوچولوی تأثر انگیز ، با دلسوزی فراوان یاد میشود .

در میان شخصیت های خاطرات والمونت ، عجیب تر از همه «میرزا جعفر» پیشکار اوست که تا هنگام ناپدید شدن ، در جریان انقلاب ، راهنما ، معلم و دوست والمونت بشمار میآید .

باید در نظر داشت ، همیشه مدارکی انسانی مانند ، یادداشت های والمونت مملو از مسائل کوچک ، عشقها ، تفریحات و در عین حال حاوی وقایع و حوادث روزانه پیرامون نویسنده ، بدست نمیآفتد ، زیرا او در عین حال با نظری تیزبین و قایع اطراف خود را تجزیه و تحلیل کرده ، و در واقع تاریخ خاورمیانه اسرار آمیز را بار دیگر برشته تحریر در آورده است .